

# اقتصاد گندم : قدرت سبز

دهند تا به رقمی (وارپشته‌ای) دست یابند که دارای ارزش مناسب و صفاتی مانند کیفیت مطلوب، بازدهی فزاینده و... باشد. سرانجام تلاشها و فعالیتهای مستمر با استفاده از علم ژنتیک و اصلاح نباتات گونه‌هایی از گندم پر محصول و مقاوم را به بازار عرضه کرد. از این مقطع بود که بشر با بهره‌گیری از روشهای فنی نو و استفاده بهینه از ماشین‌آلات مدرن و همچنین مکانیزه کردن زراعت غلات و بهره‌مندی مطلوب از سایر نهادهای کشاورزی تحول بزرگی در کشت گندم بوجود آورد. بطوری که در فاصله نسبتاً کوتاهی میزان بهره‌برداری در واحد سطح (هکتار) به چندین برابر افزایش پیدا کرد.

به این ترتیب افزایش رو به تزیاید گندم، کشورهای عمده تولیدکننده را در موضع برتری از نظر عرضه و انحصار قیمت، و جوامع واردکننده را در وضعیت تسلیم و پذیرش شرایط نابرابر تجاری قرار داد. مبادله نابرابر از یکسو و حس استقلال نسبی در مواد غذایی استراتژیک از سوی دیگر در پاره‌ای از کشورها سبب شد حتی با هزینه‌های گزاف و بعضاً غیراقتصادی - مورد عربستان سعودی - تولید گندم و خودکفایی نسبی آن جدی گرفته شود و این مقوله در شرایط کنونی به مثابه یک استراتژی - امنیت غذایی و معیشت ملی - مهم و پر اهمیت مورد توجه دولتمردان بوده است.

## ۱-۱- سطح زیرکشت گندم

بر اساس داده‌های موجود ۱۲۲ کشور در تولید گندم سهمند که در یک تقسیم‌بندی دیگر شامل ۳۱ کشور در قاره آفریقا، ۵ کشور قاره آمریکای شمالی، ۱۰ کشور قاره آمریکای جنوبی، ۲۸ کشور قاره آسیا، ۳۰ کشور قاره اروپا، ۱۵ کشور تازه استقلال یافته (شوروی سابق)، و ۳ کشور قاره اقیانوسیه می‌شود. سطح زیرکشت محصول گندم طی سه دهه اخیر با نوسانات نسبتاً اندکی روبه‌رو بوده است. روند دهه هفتاد حاکی از کاهش گند و تدریجی بوده، سپس در دهه هشتاد با آهنگی رشد

اولویت خاصی رو به رو می‌سازد. به همین منظور آشنایی با اقتصاد گندم دستمایه‌ای برای تصمیم‌گیریهای اصولی تر خواهد بود که می‌تواند برای بهبود امور کشاورزی مفید واقع شود. به بیان دیگر، شناخت روندهای تولید، وضعیت بازار جهانی و مکانیسمهای قیمت و... برای جوامعی که مقوله گندم به طور عام و «نان» به طور خاص از حساسیت و منزلت کم نظیری پیروی می‌کند، از اعتبار و جایگاه مهمی برخوردار بوده و داده‌های مندرج در این مجموعه در همین راستا عرضه می‌شود.

در آستانه برداشت فصل گندم قرار داریم. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که امسال محصول گندم به مرز یازده میلیون تن خواهد رسید که رکورد جدیدی در میزان تولید این محصول استراتژیک است.

زمانی نه چندان دور، ما صادرکننده گندم بودیم، اما به علت اجرای سیاست‌های غلط و گاه غرض آلود از سالهای دهه ۱۳۴۰ تدریجاً به واردکننده گندم تبدیل شدیم و تا زمانی که مجدداً به مرحله خودکفایی برسیم راه نسبتاً درازی در پیش داریم.

مقاله زیر تحقیقی است در مورد وضعیت تولید گندم جهان و نقشی که تولیدکنندگان عمده گندم در تنظیم بازارهای بین‌المللی ایفا می‌کنند.

این مقاله در واقع پیش درآمدی است بر یک بررسی تحلیلی در زمینه تولید گندم در کشور، تنگناهای موجود، و راه حل‌هایی که وجود دارد. امیدواریم این تحلیل را در شماره بعد ارائه کنیم.

نوشته: ناصر حق جو

## جدول شماره (۱)

مقایسه سطح زیر کشت گندم در قاره‌های مختلف جهان در سالهای ۱۹۸۲-۹۲

میلیون هکتار

نام قاره	۱۹۸۲	۱۹۹۲	افزایش/کاهش درصد
آفریقا	۸/۲	۸/۱	-۲/۴
آمریکای شمالی	۴۵/۱	۴۰	-۱۱/۳
آمریکای جنوبی	۱۱/۲	۷/۲	-۳۵/۷
آسیا	۷۹/۷	۸۴/۴	+۵/۹
اروپا	۲۶/۲	۲۵/۴	-۳/۴
اقیانوسیه	۱۱/۶	۹/۲	-۲۰/۷
کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق)	۵۷/۳	۴۵/۷	-۲۰/۴
جمع جهان	۲۳۹/۵	۲۲۰	-۸/۱

1. FAO, yearbook, production vol. 49, 1992

2. International wheat council, world wheat statistics, 1987

## ۱- وضعیت جهانی گندم

تا اواسط قرن نوزده تحول مهم و چشمگیری در زراعت گندم رخ نداد و کشت محصول گندم با رشدی کند و بطئی رو به رو بود؛ به طوری که کشاورزان جوامع صنعتی در قرن نوزدهم همانطور به کشت و زرع گندم می‌پرداختند که یک کشاورز بدوی در چهار هزار سال پیش از میلاد کشت می‌کرد. در آغاز قرن هشتم محققان و دانشمندان کشورهای مختلف (روسیه، آلمان، سوئد، آمریکا و ژاپن) بر آن شدند مطالعات عمیق و گسترده‌ای درباره نباتات مناطق مختلف جهان انجام

امروزه کار به جایی کشیده که کشورهای صادرکننده گندم به نام «قدرت سبز» معرفی می‌شوند و تحریمهای غذایی و گسترش تنش‌ها در مقیاس جهانی از سوی این انحصارات طراحی و سازماندهی می‌گردد. در بین انواع غلات «گندم» از نظر تولید، تجارت و مصرف در مقایسه با سایر محصولات کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این محصول پرتقاضا با توجه به وزن سنگینی که در الگوی مصرف خانوارها - بویژه در کشورهای در حال توسعه - دارد دستیابی به یک حد معقولی از خودکفایی را برای بخش عظیمی از کشورهای جهان با

در نظامهای کهن مسأله «گندم» به قدری اهمیت داشت که سقراط حکیم چنین گفته است: «کسی که از مسائل گندم چیزی نداند، لایق حکومت کردن نیست». تأملی کوتاه بر این کلام، نه تنها محصول گندم را در مقایسه با سایر محصولات مزیت می‌بخشد بلکه بر بار سیاسی آن نیز انگشت می‌گذاشت؛ زیرا مدیریت جامعه و صلاحیت آن را محک می‌زد.

تاریخ معاصر نیز قضاوت خود را در مورد گندم تعدیل نکرده است. شعاری که در جنگ اول زیانزد دست‌اندرکاران قدرت بود - هر کشوری که گندم داشته باشد در جنگ پیروز خواهد شد - اهمیت گندم را دوباره زنده کرد و حتی در جنگ دوم جهانی از «اسلحه نان» به عنوان برگ برنده و «آخرین اقدام» در محافل بین‌المللی یاد شد. به این ترتیب، وقوع دو جنگ اول و دوم جهانی، انهدام کشاورزی در قاره‌های اروپا و آسیا، بروز پدیده گرسنگی و... یکبار دیگر تولید گندم را در سرلوحه اقدامات دولتها قرار داد؛ به طوری که زمینه پیدایش «انحصارات غلات» را در عرصه جهانی بوجود آورد. در واقع، مسأله «غلات» بسان «نفت» برای بقای انسانها اهمیت سیاسی، تاریخی، جهانی... پیدا کرد و تأمین این نیاز - یعنی نان - مقوله‌ای استراتژیک و حیاتی به شمار رفت.

# سخن سقراط در مورد گندم، هنوز هم مصداق دارد

(شوروی سابق) اوکراین ۷/۴، روسیه ۳۲/۷، قزاقستان ۱۶/۹ میلیون هکتار گندم کشت شده و در قاره اقیانوسیه استرالیا به تنهایی ۹/۱ میلیون هکتار از اراضی زراعی خود به کشت گندم اختصاص داده است.

به این ترتیب با مشخص شدن وضعیت کشورهای مختلف جهان و سهم آنها در کشت محصول گندم، اکنون به بررسی وضعیت بازردهی و بهره‌وری تولید می‌پردازیم.

## ۲-۱ بازدهی تولید گندم

یکی از شاخص‌های کمی پیشرفت کشاورزی، افزایش بازردهی محصولات در واحد سطح (هکتار) است. این معیار درجه رشد کمی محصولات را در سالهای مختلف اندازه‌گیری می‌کند.

بر مبنای داده‌های جدول شماره ۳، متوسط عملکرد گندم در هکتار در جهان معادل ۲۵۶۲ کیلوگرم است که قاره اروپا با برداشتی معادل ۴۵۴۸ کیلوگرم بیشترین (رتبه اول) و قاره آفریقا با ۱۶۴۷ کیلوگرم کمترین (رتبه هفتم) میزان تولید در یک هکتار را داشته‌اند. قاره آسیا نیز با برداشتی برابر ۲۵۴۵ کیلوگرم در موقعیت خوبی در مقایسه با سایر قاره‌ها قرار داشته و پس از آن قاره آمریکای شمالی با راندمانی معادل ۲۵۰۹ کیلوگرم در هکتار در مقام سوم در بین قاره‌های جهان قرار داشته است.

متوسط تولید در هکتار محصول گندم در بین کشورهای مختلف جهان از پراکنش زیادی برخوردار است؛ به طوری که دامنه آن از ۲۶۷ کیلوگرم در هکتار (کویت) تا ۸۰۱۵ کیلوگرم در هکتار (هلند) در نوسان است.

در درون قاره آفریقا سه کشور مصر، زئیر و زیمبابوه با عملکردهای معادل ۵۲۵۵، ۴۹۶۳، ۴۰۵۰ کیلوگرم در هکتار در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

در قاره آمریکای شمالی کشور مکزیک با برداشتی معادل ۳۹۳۲ کیلوگرم در هکتار در مقایسه با کشورهای رقیب در رتبه بالاتری قرار گرفته است. این بازردهی در شرایطی است که دو کشور کانادا و آمریکا هر کدام به ترتیب ۲۱۶۰ و ۲۶۵۰ کیلوگرم در

می‌دهد که در قاره آفریقا دو کشور مراکش و الجزایر به ترتیب با ۲/۲ و ۱/۸ میلیون هکتار بر روی هم معادل ۴۹/۵ درصد سطح زیرکشت گندم قاره آفریقا را تحت پوشش قرار می‌دهند.

در قاره آمریکای شمالی دو کشور آمریکا با ۲۵/۳ میلیون هکتار و کانادا حدود ۱۴ میلیون هکتار بیشترین سهم را داشته‌اند. این دو کشور حدود ۹۸ درصد سطح زیر کشت این محصول را در بر می‌گیرند. دو کشور آرژانتین (۴/۲ میلیون هکتار) و برزیل (حدود ۰۲ میلیون هکتار) در قاره آمریکای جنوبی شاخص بوده و برابر ۸۶ درصد سطح زیر کشت گندم به

کاهش یا افزایش سطح زیرکشت در نگاه اول هیچگونه یافته‌ای را عرضه نخواهد کرد. به همین منظور وضعیت بازردهی تولیدی موقعیت تکنولوژی و استفاده بهینه از نهاده‌ها و امکانات را بهتر مشخص می‌سازد.

همانطور که در جدول شماره ۲، آمده است. توزیع سطح زیرکشت گندم در سال ۱۹۹۲ در قاره‌های مختلف آسیا، کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق)، آمریکای شمالی، اروپا، آفریقا و آمریکای جنوبی به ترتیب بالغ بر ۴۸ میلیون هکتار (۳۸/۴ درصد)، ۴۵/۷ میلیون هکتار (۲۰/۸ درصد)، بالغ بر ۴۰

یابنده آغاز شده و در پایان همان دوره کاهش خفیفی را تجربه کرده و آنگاه در ابتدای دهه نود روند نزولی خود را حفظ کرده است.

بر پایه داده‌های مندرج در نشریات فائو سطح زیر کشت گندم در سال ۱۹۷۶ معادل ۲۳۴ میلیون تن بوده و با افزایش قریب ۳ درصد در سال ۱۹۸۱ به سطح ۲۴۰ میلیون هکتار افزایش یافت و در سال ۱۹۹۲ بالغ بر ۸/۳ درصد کاهش داشته و به ۲۲۰ میلیون هکتار تقلیل پیدا کرد. به نظر می‌رسد کاهش سطح زیرکشت گندم از طریق افزایش بازردهی محصول در واحد سطح (هکتار) جبران شده باشد. به بیان دیگر در شرایط کنونی گسترش طول محصول (افزایش سطح زیرکشت) در مقایسه با گسترش عمقی (افزایش راندمان تولید و بهره‌وری) از اهمیت کمتری برخوردار است. در واقع با توسعه تکنولوژی و بهبود روشها و اصلاحات نو در بخش کشاورزی ویژگیهای سنتی و غیرکارآ تحول پیدا کرده و کشورهای پیشرفته به کیفیت تولید محصول بیشتر از کمیت آن بها می‌دهند و همین امر سبب شده عملکرد در واحد هکتار محصولات کشاورزی - بویژه گندم - به نحو مطلوبی افزایش یابد.

مقایسه وضعیت قاره‌های جهان در ارتباط با سهم اراضی تحت پوشش گندم، دست‌کم در فاصله سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۹۲ تا حدودی مقوله بهره‌گیری از تکنولوژی را تصویر خواهد کرد. به طور کلی همانطور که در جدول شماره یک نیز درج شده، بیشترین مقدار کاهش و کمترین آن مربوط به قاره آمریکای جنوبی (۳۵/۷ درصد) و آفریقا (۲/۴ درصد) بوده است. کاهش سطح زیرکشت در قاره‌های اقیانوسیه و کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق) به ترتیب معادل (۲۰/۷) و (۲۰/۴) درصد بوده و آسیا تنها قاره‌ای است که سطح زیرکشت گندم آن فزونی یافته و از ۷۹/۷ میلیون هکتار به ۸۴/۴ میلیون هکتار یعنی ۵/۶ درصد افزایش یافته است. برای این که افزایش بهره‌وری محصول را در قاره‌ها دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم از شاخص «عملکرد در هکتار» استفاده خواهیم کرد؛ زیرا

جدول شماره (۲)  
سطح زیرکشت محصول گندم در سطح قاره‌های مختلف جهان در سال ۱۹۹۲

قاره	آمریکای شمالی	آمریکای جنوبی	آسیا	اروپا	اقیانوسیه	شوروی سابق	کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق)
سطح زیر کشت (میلیون هکتار)	۲۰۰۰۷	۷۲۶۵	۴۳۳۸۲	۲۵۳۵۸	۱۱۴۲	۲۵۲۲۲	۲۳۰۰۰۰
درصد	۲۰/۸	۲۰/۴	۳۸/۴	۲۵/۳	۲/۱	۲۱/۱	۲۰/۰

FAO, yearbook, production vol. 49, 1992

جدول شماره (۳)  
معدل در هکتار محصول گندم در سطح قاره‌های مختلف جهان در سال ۱۹۹۲ (کیلوگرم)

قاره	آمریکای شمالی	آمریکای جنوبی	آسیا	اروپا	اقیانوسیه	شوروی سابق	کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق)
معدل در هکتار (کیلوگرم)	۲۵۰۹	۲۵۰۴	۲۵۴۵	۲۵۴۸	۱۶۴۷	۲۵۶۲	۲۵۶۲
رتبه	۳	۴	۷	۱	۸	۲	۵

FAO, yearbook, production vol. 49, 1992

جدول شماره (۴)  
میان تولید گندم در قاره‌های مختلف جهان در سال ۱۹۹۲

قاره	آمریکای شمالی	آمریکای جنوبی	آسیا	اروپا	اقیانوسیه	شوروی سابق	کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق)
تولید (میلیون تن)	۱۰۰۴۱۵	۳۲۵۸۱	۲۱۴۷۴۲	۱۱۵۴۳۸	۱۵۱۷۲	۸۹۲۲۲	۵۳۳۴۴۹
درصد	۲۰/۸	۲۰/۴	۳۸	۲۵/۳	۲/۱	۲۱/۱	۲۰/۰

FAO, yearbook, production vol. 49, 1992

آنها اختصاص دارد. در قاره آسیا کشورهای شاخص از نظر میزان کشت گندم انگشت‌شمارند. چین با ۳۰/۶ میلیون هکتار، هندوستان ۲۲/۹ میلیون هکتار، ترکیه ۹/۲ میلیون هکتار، پاکستان ۷/۸ میلیون هکتار و ایران ۶/۶ میلیون هکتار بیشترین میزان سطح زیرکشت گندم را در آسیا داشته‌اند.

در قاره اروپا کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، لهستان و اسپانیا به ترتیب ۵، ۶/۲۲، ۲/۵، ۲/۴ و ۲/۳ میلیون هکتار بیشترین میزان سطح زیرکشت گندم را در بین سایر کشورهای اروپایی داشته‌اند و بین کشورهای تازه استقلال یافته

میلیون (۱۸/۲ درصد)، حدود ۲۵/۴ میلیون هکتار (۱۱/۵ درصد)، قریب ۸/۱ میلیون هکتار (۳/۷ درصد) و معادل ۷/۲ میلیون هکتار (۳/۳ درصد) بوده است که چنانچه کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق) تقسیم‌بندی قاره‌ای بین اروپا و آسیا تفکیک شوند آرایش فعلی به هم خورده و سهم قاره‌ها از نظر اراضی تحت پوشش گندم تغییر می‌یابد. به هر حال، قاره آسیا در مقام نخست و قاره آمریکای شمالی در مقام دوم، و اروپا (بدون در نظر گرفتن شوروی سابق) در مرحله سوم قرار خواهند داشت.

آمار پر کنش جغرافیایی سطح زیرکشت گندم در کشورهای جهان نشان

# ۷۲/۷ درصد گندم آسیا را چین و هند تولید می‌کنند

هکتار گندم برداشت کرده‌اند.

در قاره آمریکای جنوبی دو کشور شیلی (۳۳۷۹ کیلوگرم) و آرژانتین (۲۲۲۲ کیلوگرم) بهترین راندمان تولیدی را داشته‌اند. این دو کشور در فاصله یک دهه فعالیت‌های مؤثری برای بهبود بازدهی تولید در واحد سطح انجام داده‌اند تولید شیلی در هکتار در اوایل دهه شصت معادل ۱۷۱۱ کیلوگرم بوده و با افزایشی معادل ۱۶۶۵ کیلوگرم یعنی بیش از ۴۹ درصد به تولیدش افزوده شده و آرژانتین نیز با افزایش تولیدی معادل ۴۴ درصد - افزایش تولیدی برابر ۶۷۵ کیلوگرم در هکتار - در همان دهه روبرو بوده است.

در سطح قاره آسیا عربستان سعودی با برداشتی معادل ۵۵۴۱ کیلوگرم در هکتار مقام نخست را از نظر بازدهی

هزینه‌بر بوده در مقایسه با افزایش بهره‌وری (گسترش عمقی) در مرتبه بعدی قرار دارد و کشورهای که با دانش فنی و گسترش تکنولوژی و بهره‌گیری از مهندسی ژنتیک توانسته‌اند به یافته‌های نو در کشاورزی دسترسی پیدا کنند به همان میزان در توسعه کشاورزی و خودکفایی نسبی در محصولات دست یافته‌اند.

## ۳-۲- تولید جهانی گندم

تولید جهانی گندم طی دهه اخیر با افزایش قریب به ۲۹ درصد روبرو بوده و از حدود ۴۳۸ میلیون تن در سال ۱۹۸۱ به مرز ۵۶۴ میلیون تن در سال ۱۹۹۲ فزونی یافته است.

براساس داده‌های جدول شماره ۴، توزیع میزان تولید گندم در سطح قاره‌ها

آرژانتین یکی از تولیدکنندگان عمده گندم در حوزه آمریکای جنوبی با تولیدی معادل ۹/۴ میلیون تن ۶۴/۴ درصد تولید قاره و ۱/۷ درصد تولید جهانی گندم را به خود اختصاص داده است.

در بین کشورهای تازه‌استقلال یافته (شوروی سابق) سه کشور قزاقستان، روسیه و اوکراین سهم عمده‌ای در تولید گندم دارند. تولید این کشورها به ترتیب ۱۸/۵، ۴۶ و ۱۹/۵ میلیون تن بوده که در سطح کشورهای منطقه (شوروی سابق) با همان ردیف ۵۱/۱، ۲۰/۶، ۲۱/۷ درصد می‌باشد. این سه کشور بر روی هم ۱۵ درصد از تولید جهانی گندم در برمی‌گیرند.

تولیدکنندگان عمده در قاره اروپا شامل سه کشور فرانسه (۳۲/۶ میلیون

کشورهایی که انحصارگندم را در اختیار دارند محدودترند؛ زیرا دو کشور چین و هندوستان که بر روی هم ۲۷/۷ تولید جهانی گندم را از آن خود دارند، در بازار جهانی این محصول سهم ناچیزی به آن‌ها اختصاص دارد.

کشور چین با تولیدی بالغ بر ۱۰۱ میلیون تن به تنهایی ۴۷ درصد تولید قاره آسیا را در اختیار دارد و همچنین هند نیز با ۵۵/۱ میلیون تن معادل ۲۵/۷ درصد تولید گندم این قاره به خود اختصاص داده است. همانطور که ارقام نشان می‌دهد بخش عظیمی از گندم تولیدی در آسیا - ۷۲/۷ درصد - متعلق به این دو کشور است.

سه کشور دیگر حوزه آسیا یعنی پاکستان، ترکیه و ایران به ترتیب ۱۵/۷، ۱۹/۳ و ۱۰/۲ میلیون تولید دارند که سهم

جدول شماره (۵)

کشورهای عمده تولیدکننده گندم در سطح جهان در سال ۱۹۹۲															
هم‌کشور	۱۹۸۵	آمریکا	آرژانتین	چین	هندوستان	پاکستان	ترکیه	ایران	فرانسه	آلمان	انگلستان	استرالیا	قزاقستان	روسیه	اوکراین
میزان تولید	۲۹/۸	۶۶/۹	۹/۲	۱۰۱	۵۵/۱	۱۵/۷	۱۹/۳	۱۰/۲	۳۲/۶	۱۵/۵	۱۴/۲	۱۵/۲	۱۸/۵	۴۶	۱۹/۵
سهم از تولید قاره (درصد)	۲۹/۷	۶۶/۶	۶۲/۲	۲۷	۲۵/۷	۷/۲	۹	۲/۷	۲۸/۲	۱۳/۵	۱۲/۳	۹۸/۹	۲۰/۶	۵۱/۱	۲۱/۷
سهم از تولید جهانی (درصد)	۵/۲	۱۱/۹	۱/۷	۱۷/۹	۹/۸	۲/۸	۲/۲	۱/۸	۵/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۷	۲/۳	۸/۲	۳/۵

تن)، آلمان (۳۲/۶ میلیون تن)، و انگلستان (۱۴/۲ میلیون تن) است.

## مآخذ

- ۱- دن مورگان، غولهای غلات، ترجمه مرحوم جهاننگلو، تهران، انتشارات نشرو، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۲- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بازار جهانی گندم، از سری انتشارات بازار جهانی کالاها، شماره ۱۶، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.

3. International wheat Council , world wheat statistics, 1987.

4. F.A.O, yearbook, production, vol. 49. 1992.

ه کسریمی، هادی، گندم، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول و دوم، ۱۳۵۶.

آن‌ها از تولید قاره ۷/۳، ۹ و ۴/۷ درصد است. سهم ایران از تولید جهانی گندم معادل ۱/۸ درصد، ترکیه ۳/۴ و پاکستان معادل ۳/۴ درصد است.

در منطقه اقیانوسیه کشور استرالیا با تولیدی معادل ۱۵/۲ میلیون تن ۹۸/۹ درصد تولید قاره را در اختصاص خود دارد. سهم این کشور از تولید جهانی گندم برابر با ۲/۷ درصد می‌باشد. در قلمرو قاره آمریکای شمالی و جنوبی سه کشور کانادا، آمریکا و آرژانتین شاخصند. آمریکا به تنهایی ۱۱/۹ درصد تولید جهانی گندم را در اختیار داشته و ۶۶/۶ درصد تولید قاره آمریکای شمالی توسط این کشور عرضه می‌شود. کانادا نیز که جزو قاره آمریکای شمالی است تولیدی معادل ۲۹/۸ میلیون تن دارد که سهم آن از تولید قاره و جهان به و ترتیب معادل ۲۹/۷ و ۵/۳ درصد می‌باشد. کشور

در سال ۱۹۹۲ نشان می‌دهد که قاره آسیا با تولیدی حدود ۲۱۵ میلیون تن ۳۸ درصد تولید جهان را در بر گرفته و پس از آن قاره اروپا با ۱۱۵/۴ میلیون تن گندم (۲۰/۵ درصد) دومین قاره جهان از نظر تولید گندم شناخته شده است. سهم قاره آمریکای شمالی و مجموعه کشورهای تازه استقلال یافته (شوروی سابق) به ترتیب معادل ۱۰۰/۴ میلیون تن (۱۷/۸ درصد)، حدود ۹۰ میلیون تن (۱۶ درصد) بوده که بر روی هم سهم قابل ملاحظه‌ای از تولید جهانی گندم را به خود اختصاص داده‌اند.

قاره‌های اقیانوسیه، آمریکای جنوبی و آفریقا هر کدام با سهمی معادل ۲/۷، ۲/۶ و ۲/۴ درصد کمترین میزان تولید را در سال ۱۹۹۲ داشته‌اند.

کشورهای عمده تولیدکننده گندم در عرصه جهانی محدودند اما

تولید داشته و پس از آن کشورهای کره شمالی، ژاپن، چین، کره جنوبی به ترتیب معادل ۳۹۰۰، ۳۷۲۱، ۳۲۹۵، ۳۰۰۰ کیلوگرم در هکتار در موفقیت برتری قرار داشته‌اند. ایران نیز با تولیدی معادل ۱۵۴۵ کیلوگرم در هکتار در رتبه هیجدهم در سطح آسیا قرار دارد. در قاره اروپا وضعیت عملکرد محصولات زراعی در سطح بالایی است. متوسط عملکرد گندم در واحد سطح (هکتار) در کشورهای هلند، ایرلند، فرانسه و انگلستان به ترتیب معادل ۸۰۱۵، ۷۵۵۶، ۶۴۹۴، ۶۸۶۶ کیلوگرم بوده است.

به این ترتیب، مهمترین مسأله در ارتباط با توسعه کشاورزی افزایش بازدهی در مقیاس هکتار است؛ زیرا افزایش سطح زیر کشت (گسترش طولی) محصولات علی‌رغم اینکه